

بزه‌دیدگی ثانوی
کودکان کار

وحید سلطانی پاجی

جرم‌شناس، مددکار
اجتماعی و مدرس دانشگاه

هفته گذشته فیلمی از ضرب‌و‌شستم همراه فحاشی به یک کودک در مرکز نگهداری کودکان ماهدشت در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که واکنش‌های گسترده‌ای را در پی داشت. کودکان کار که خود بزه‌دیده شرایط نامطلوب خانواده و جامعه هستند برای پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی، اصلاح، تربیت و نگهداری مطلوب به این مراکز منتقل می‌شوند و در مواردی شاهدیم از سوی مربیان، کارکنان و سایر شاغلان آنجا مورد ضرب‌و‌شستم و توهین قرار می‌گیرند. با تشکر و احترام به متولیان امر که بر ارائه خدمات به این نوع کودکان و نوجوانان تلاش می‌کنند، اما حتی یک مورد قصور و تقصیر از سوی افراد دخیل، قطعاً تبعات بسیار منفی در پی خواهد داشت که بررسی علل وقوع و در نظر گرفتن راهکارهای پیشگیرانه، بسیار مهم است.

براساس ماده ۲۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، هرگاه کارکنان دستگاه‌های موضوع ماده ۲۹ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که مسئولیت نگهداری، مراقبت، آموزش یا تربیت طفل و نوجوان را بر عهده دارند یا در امور مربوط به آنان فعالیت می‌کنند به هر نحو در ارتکاب جرائم عمدی موضوع این قانون شرکت یا معاونت داشته باشند، علاوه بر مجازات مقرر با توجه به نقش مرتکب به یک یا چند مورد از محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند. در ماده ۲۱ نیز اشاره شده است که چنانچه شخص حقوقی در ارتکاب جرائم موضوع این قانون شرکت یا معاونت داشته باشد، به مجازات‌های مقرر در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های مورد اشاره شامل محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از صدور برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا پنج سال است که به‌نوعی قانونگذار محرومیت و ممنوعیت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در نظر گرفته است.

آنچه مهم است، رفتار مجرمانه ضرب و جرح عمدی و توهین توسط کارکنان و شاغلان مراکز خصوصی تحت پوشش سازمان بهزیستی، در این قانون جرم‌انگاری نشده و باید به قانون مجازات اسلامی مراجعه شود که این از نقاط ضعف است. در تبصره ۶ ماده ۵۸ دستورالعمل تاسیس، اداره و انحلال مراکز موسسات غیردولتی تحت نظارت سازمان بهزیستی که در سال ۱۳۹۹ بازنویسی شد، اشاره شده است: در صورت وقوع هر یک از موارد زیر در مراکز و موسسات غیردولتی دارای مجوز از سازمان، کمیسیون استانی باید با عنایت به دستورالعمل‌های سازمان، به تخلف صورت گرفته بدون طی مراحل فرآیند نظارت، حداکثر ظرف مدت ۴۸ ساعت با هماهنگی با معاونت مربوطه در ستاد بهزیستی و رعایت حقوق مددجویان و خدمت‌گیرندگان رسیدگی و در خصوص آن تصمیم‌گیری کند.

۱- امکان بروز خطر جانی برای خدمت‌گیرنده.
۲- هرگونه قصور یا تقصیر مشهود افراد مسئول که منجر به صدمه جسمی و روانی یا فوت خدمت‌گیرنده شود.
۳- هرگونه تخلفی که مطابق قانون جاری کشور، عنوان مجرمانه داشته باشد.

۴- هرگونه تخلفی که منجر به جرح‌هادر شدن احساسات و افکار عمومی و خدشه‌دار شدن جایگاه اجتماعی سازمان شود.

همچنین در ماده ۵۶ دستورالعمل مورد اشاره چهار نوع نظارت پیش‌بینی شده است: خودنظارتی، نظارت شبکه‌های غیردولتی، نظارت سازمانی و نظارت برون‌سازمانی مراجع ذی‌صلاح. نظارت سازمانی هم خود به‌نظارت تخصصی و عمومی تقسیم می‌شود. در ماده ۵۷ دستورالعمل به سه ابزار نظارتی نیز اشاره شده که شامل: بازدید حضوری، بهره‌گیری از سامانه‌های الکترونیکی و سیستمی و گزارشات واصله از مراجع ذی‌صلاح برون‌سازمانی است. بنابراین می‌توان گفت که بهترین راهکار پیشگیرانه: آموزش مستمر شاغلان در این عرصه، مشارکت بیشتر سازمان‌های نظارتی مردم‌نهاد، مقابله با مرتکبان نقض قوانین در این محیط‌ها و اطلاع‌رسانی برای تنویر افکار عمومی است. در زمینه اقدامات و ابزارهای نظارتی بر این مراکز از نظر قوانین و اسناد بالادستی خلأی نداریم اما در عمل باید این نظارت‌ها تا پایین‌ترین قسمت اداری با جدیت انجام شوند.

• لازم به ذکر است پس از انتشار این فیلم با مرکز مورد اشاره برخورد قضایی صورت گرفت

جنگ‌گیدن برای صلح

فعالان مدنی به مناسبت روز جهانی صلح، از راه‌ها و موانع رسیدن به صلح گفتند

تاریخ صلح، تاریخ زنا

نعمت‌الله فاضلی، انسان‌شناس اولین

سخنران این نشست بود. او خطاب به اعضای انجمن مادران صلح که این نشست را ترتیب داده بودند، گفت که شما مادران صلح، سال‌هاست در حال بحث و اشاعه صلح‌اید: «شما صلح را زیسته‌اید. ژان پل سارتر می‌گفت که مفاهیم دودسته‌اند: مفاهیمی که ما به زبان می‌آوریم و مفاهیمی که آنها را زندگی کرده‌ایم. برای زنان، صلح زندگی است و مفهومی نیست که یاد گرفته، شنیده یا خوانده باشند. صلح بدن و عواطف آنهاست، صلح خانواده است، صلح کودکی است. مادران و زنان نماد صلح زیسته‌اند. در مطالعات شهری، محله‌ای که در آن زنان و کودکان کمتر تردد کنند، محلات ناامن‌اند. اگر بخواهید بدانید در فضای شهری چقدر صلح وجود دارد، باید نگاه کنید چقدر زنان در آنجا حضور دارند، اگر زنان در فضایی زیاد حضور داشتند بدانید در آنجا خشونت و ناامنی کمتر است و فرهنگ صلح وجود دارد. هر جایی که زنان در آن کم و مردان خیلی زیادند، باید بترسید. به همین دلیل، بدن زنانه و حضورش در فضای شهری، نماد صلح زیسته است. من در کتاب «زنان شدن شهر» توضیح داده‌ام که نقش حضور زنان معنادار است، همانطور که غیبت‌شان هم معنادار است. او ادامه داد: «موضوع صحبت من صلح روزمره و زنان است؛ هائری لوفور و بعضی از اندیشمندان چپ این مفهوم را وارد ادبیات نظری کردند. کاش روزی فرصت شود درباره این موضوع حرف بزنیم که چرا زندگی روزمره، ابژه کانونی تمام رشته‌های علوم انسانی است. از اقتصاد و تاریخ تا فلسفه، روانشناسی و...»

از نظر این انسان‌شناس، آزادی، صلح و خود زندگی باید با مفهوم زندگی روزمره فهمیده شود، وگرنه یک جای کار به‌طور بنیادی می‌لنگد و در نتیجه جهت فعالیت خیلی ناقص می‌شود و به هیچ جایی نمی‌رسد: «غایت صلح، زندگی روزمره است. هر چقدر بگوییم دولت‌ها تفاهم کردند، اقتصاد توسعه پیدا کرده است، تکنولوژی‌ها پیشرفت کردند، قوانین پیشرفته‌ای وضع کردیم و... اما اگر خواهیم از نظر صلح به زندگی نگاه کنیم، می‌گوییم بینیم مردم در محلات چطور زندگی می‌کنند، می‌پرسیم انسان‌ها در زندگی روزمره خودشان از هم مراقبت می‌کنند؟ آدم‌ها اگر شعر و داستان بخوانند یا خوشبختند باشند و اگر در زندگی روزمره خودشان مراعات حال یکدیگر را می‌کنند، در آنجا صلح وجود دارد ولی



اناز محمدی

دبیر گروه جامعه



اگر مثلاً بگویند من چون پولدارم می‌خواهم شیر آب را باز بگذارم یا هر چقدر دلم می‌خواهد برقی روشن کنم، در اینجا صلح وجود ندارد.»

فاضلی در ادامه گفت که صلح، موضوعی در درون ما نیست؛ خلاف شعار گسترده‌ای که در دهه‌های اخیر برای انحراف افکار عمومی داده شده و با «صلح درون» شناخته می‌شود، صلح مفهومی است برای حل مسئله‌ای که بین آدم‌ها و ملت‌هاست: «صلح امر «بینا» است. این انحراف است که بگوییم دور هم جمع شویم، اروین یالوم بخوانیم، یوگا کنیم و به صلح برسیم! این تقلیل منفرانه‌ای از گفتمان صلح است. اشکال ندارد که خودمان را آموزش دهیم و آرامش داشته باشیم اما نباید برای آن اسم صلح بگذاریم. زندگی روزمره هم «بینا» است؛ زندگی روزمره، موقعیت و وضعیت است. وضعیتی که چند نفر دارند با همدیگر به‌طور عادی زندگی و بده‌بستان می‌کنند و غایت صلح اتفاقاً همین جاست؛ غایت صلح آن تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی نیست. چون اگر در آن تفاهم‌نامه‌ها صلح روزمره نباشد، بود و نبودش یکسان است. اگر توسعه اقتصادی باشد اما صلح روزمره نباشد، بود و نبود آن یکی است. هانا آرت می‌گفت از منظر انسان صلح باید موضوعات را بفهمیم، نه از منظر بازار و ایدئولوژی. صلح مفهومی است که از منظر انسان به اوضاع می‌نگرد. هروقت می‌خواهیم بفهمیم که در جهان، صلح وجود دارد یا نه به زندگی روزمره نگاه می‌کنیم. از خلال همین زندگی روزمره است که اگر خشونت، سستی و تضادی باشد آنقدر بزرگ می‌شود که به جنگ جهانی تبدیل می‌شود.»

اما زنان کجای این صلح و زندگی روزمره‌اند؟ نعمت‌الله فاضلی اینطور پاسخ داد: «رکن زندگی روزمره، زنان‌اند. نه اینکه مردان در زندگی روزمره نیستند اما موقعیت‌های زندگی روزمره موقعیت‌هایی است که زنان نقش رهبری دارند. زنان به‌دلایل تاریخی نه به‌دلایل ذات‌گرایانه، بازیگران اصلی موقعیت‌های عادی زندگی روزمره‌اند. این زنان‌اند که مدیریت عواطف می‌کنند و عواطف سهیم بنیادی در زندگی بشر و زندگی روزمره بشر دارد. معمولاً ایدئولوگ‌ها از زندگی روزمره حرف نمی‌زنند. علی شریعتی می‌گوید، زندگی روزمره منجرب است. در سخنان روشنفکران گذشته هم می‌بینید که به زندگی روزمره به‌صورت منجرب نگاه می‌کنند. جلال آل‌احمد آن را نشانه غرب‌زدگی می‌دانست. او می‌گفت، امپریالیسم آمده و همه‌چیز را بلعیده و ما آدمک‌های خودباخته، فریب‌خورده و منفعلی در زندگی‌ایم. این

